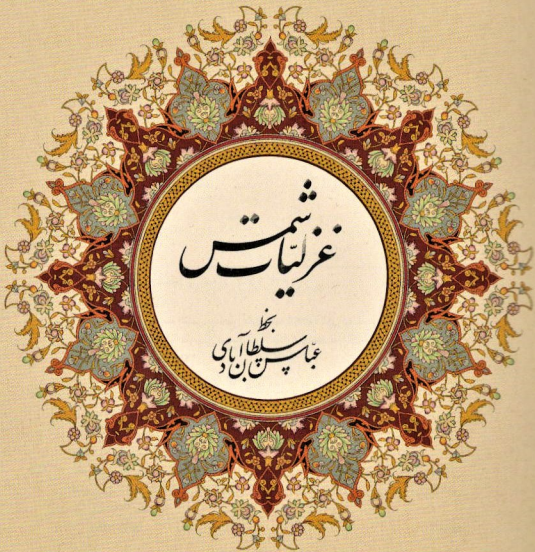


غزلیات

بخط
عبدالمطلب بن ابی



دوش من بخایم کردم نوی تو پستاره
 کفتمش خدمت سنان از من تیغ آن پاره
 سجد کردم کفتم این سجد بدان رخشید
 کوبه تابش ز کندر پستک نامی خار
 پستیخ خود باز کردم حسنهما نمود
 کفتمش از من جبرده دلبخون فراره
 سوبه کوشتم که تا طفل دم خاش شود
 طفل خپد چون محبت بانگ کسی گهواره
 طفل دل آیشده مارا ز کردش ارمان
 ای تو چاره کرده بر دم صد چو من جی پاره
 شهر وصلت بوده است آخر ز اول حاجی
 چند داری در عنبر بی این دل آواره

من خمش کردم ولیکن از پی دفع خست
 ساقی عشاق کردان ز کس خستاره